



۲۰۱۹/۱۱/۱۰

نصیبہ اکرم حیدری

زبان و هویت دو جز لایتجزاء در تشکیل زیر بنا های جوامع بشری

زبان و هویت دو جز لایتجزاء در تشکیل زیر بنا های جوامع بشری است و انکار از نقش زبان در هویت ملی، انکار از وجود مادری است که ما از وجودش بدنیا آمده ایم.

عقیده ها، بینش ها، رفتار و نگرش های فرهنگی با اهداف نامحسوس فرهنگ و هویت ملت ها پایه ریزی شده و سست کردن پایه های وحدت ملی و بی تفاوتی مردم نسبت به فرهنگ و هویت ملی از محور های زیر بنایی استعمار نو تلقی گردیده. و هم آنانیکه به هویت گروهی و یا محلی چسبیده اند و تلاش میورزند تا چنین هویت ها را جانشین هویت ملی بنمایند، این جمع نیز باغ دشمن را آبیاری میکنند و برای حمایت بیگانگان ضد منافع ملی استین بالا زده اند.

اگر هویت ملی را محصول و ساخته فرهنگ انسانها بدانیم، زبان و ادبیات و تاریخ و مذهب مشترک هویت ملی را میسازد که کلمه هویت ملی را معنی می بخشد و تکمیل اش مینماید و زبان از آنجایکه خصوصیت یک جامعه را مشخص میسازد پس هسته اصلی این فرهنگ را تشکیل میدهد.

زبان در محدوده ای جغرافیای مشخص هویت مشخص پیدا میکند زیرا زبان وسیله افهام و تفهیم جامعه مشخص شده می گردد، به طور مثال زبان وسیع انگلیسی با وجودیکه در چندین کشور زبان انگلیسی است اما هر کدام از خود خصوصیت متفاوت محیطی خود را دارد. پس نباید تحت این کلی گویی مشخصه های جوامع انگلیسی زبان را زیر زد و سبب عوامفریبی گردید. بخاطریکه زبان انگلیسی در هر محدوده جغرافیایی خصوصیت های مشخص را به خود گرفته است، زیر زدن این موضوع نشان گر ریگیست که شخص نگارنده آن در کفش دارد. این زبان است که بنیادی برای فهم بشر میسازد و تفاهم اینای جامعه اش که مشخص در محدوده جغرافیایی اش خصوصیت هویت را میسازد. زبان به قول جامعه شناسی "نظام نشانه های است که معنی افکار مشخص یک جامعه را می سازد" یا به قول دیگری، "زبان مهمترین پدیده فرهنگی تلقی شده و بالاخره زبان مهمترین عنصر مشترک هویتی یک سرزمین است که میتواند در بُعد جغرافیایی مشخص خصوصیت باشندگان سرزمین را هویت ببخشد، در چنین محدوده نظر ها و ارزش ها و باور های مشترک در تکامل اجتماعی پدید می آید که انتقال چنین مجموعه تسلسل نسل ها را تضمین میکند و در میان عناصر هویتی زبان در مقام اول شبکه ارتباط و تعامل اجتماعی قرار دارد".

از جانب دیگر، هویت در ابعاد فردی و اجتماعی و ملی و دینی بنیادی ترین عنصر علوم انسانی و اجتماعی محسوب میگردد و در اصول منطقی اگر اصل هویت را از ذهن بشر بیرون کنیم، به قول ارکسن و شوارت دیگر بشر نسبت به هیچ چیز تصویری نخواهد داشت.

در جهان اشغالگر امروز بالا تر از صد میلیون انسان بی خانمان که کلبه خویش را نسبت ظلم و تعرض ترک گفته اند و شناسنامه ای در دست ندارند، به وسیله زبان شناسایی میشوند و انعهه ایکه هویت زبانی خویش را نادیده شمردند و به زبان بیگانه شده ای تکلم مینمایند، در گیر مشکل لاینحل شناسایی خودی قرار دارند. جامعه ملل برای شناسایی پناهندگان پول هنگفتی به زبان شناسان میپردازند تا تا به تشخیص هویت پناهندگان بپردازند و در این اواخر حکومت آلمان برای آنانیکه مدارک شناسایی ندارند، دست بدامن تکنولوژی زده اند تا بتوانند در تشخیص زبان ها و لهجه ها کمک شوند.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولی

نه تنها ولایت فقیه بلکه ملت ایران از دیر بدین سو افتخارات تاریخی خطه و ملت افغان را جز افتخارات کشور خویش می‌شمارند و این برادری به پاس همزبانی نبوده و نخواهد بود. از آنانی که بدین باور اند باید پرسید که چرا تاجکستان و پاکستان که هر دو کشور های همزبان اند با ما مشکلی همسانی ندارند؟ از آئینه وطنپرستانه و منصفانه اگر به موضوع بنگریم، ملت همسایه ایران در پی تهاجم است نه دنبال برادری و این حقیقت را اوراق تاریخ تصدیق مینمایند.

تهاجم فرهنگی این ملت همزبان و همسایه را در افغانستان در شبکه تلویزیون طلوع به وضاحت میتوان مشاهده نمود که زبان بیرون از سرحدات وطن توسط این شبکه به شدت تقویه میگردد تا هویت ما را از میان بردارند. سبک گفتار، کلمات، جملات و لهجه همه با هم در پی انهدام هویت ملی افغان است و آنرا مصیبتی میتوان نامید که در جامعه افغانی و اسلامی از سوی و به امر اشغالگران در چرخش است و شخص خودم با تمام شناختم از زبانهای ملی و محلی وطن، از فهم مفاهیم آن عاجز میمانم و هضم شنیدن آن برای فرهنگ دوستان مشکل مینماید. با این هجوم ملت همسایه آنهم توسط تبری که دسته اش سرشته از خون ما است باید به مجادله برخاست. راه مقابله با این هجوم فرهنگی کار فرهنگیان و وطندوست است و دلیل بوجود آوردن "قاموس کبیر افغانستان" توسط مسئولین افغان جرمن آنلاین مجادله با همچو هجوم فرهنگی است که بتواند ارزش های زبانهای ملی خویش را از این تهاجم فرهنگی نجات دهند.

فراموش نباید کرد که در تمدن های قدیم تهاجم فرهنگی با سلطه نظامی همراه بود، ولی امروز وقتی کشوری بخواهد بر کشور دیگری تسلط نظامی و استعماری داشته باشد، یگانه وسیله موثر تهاجم فرهنگی است که تمایز ملت ها، گذشته از نژاد تنها فرهنگ است که وقتی فرهنگی از فرهنگ بیگانه ای رنگ گیرد و همرنگ شود، آنگاه تسلط بر این ملت بدون هیچگونه توصل به جنگ آسان خواهد بود. وقتی ملتی از لحاظ فکری و ظاهری همانند جامعه متهاجم فکر کند، دیگر مشکلی برای ارتباط و تسلط بر این ملت وجود ندارد.

علامه اقبال در این راستا میگوید که:

ملتی را رفت چون آیین ز دست مثل خاک اجزای او در هم شکست

بدون شک بارور ترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه نقش اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است و فرهنگ یک جامعه هویت و موجودیت یک جامعه را میسازد و با انحراف فرهنگ هر چند جامعه در ابعاد دیگر همچون اقتصاد، سیاست، صنعت و نظامی قدرتمند و قوی باشد، پوچ و میان تهی خواهد بود، زیرا که موجودیت یک جامعه از استقلال فرهنگ آن سر چشمه میگیرد.

اگر اینطور میاندیشم که اگر ما بدون هویت ملی کسی باشیم و اعتباری داشته باشیم، سخت به خطا رفته ایم.

این را هم باید یاد آور شد که نظام یک زبان برای اقوام کشور با محدودیت جغرافیایی مشخص، آنست که تمام اینای کشور به یک ملت واحد مبدل گردد و اقلیت های که بر کسب برخی حقوق و بند و بست ها اصرار میکنند، گاهی هم مورد توجه قرار گیرند ولی حفظ هویت ملی لزوماً به وحدت فرهنگی و زبانی نیاز دارند.

زبان یک ملت منحصیث یک مشخصه کلیدی است که با استفاده از آن میتوان با فرهنگ آن ملت آشنا شد. شناخت فرهنگ یگانه راهیست بسوی هویت یابی ملی و هم باید گفت که زبان های ملی بزرگترین سرمایه فرهنگی و مهم ترین عامل حفظ استمرار و استقلال فرهنگ ها و پاسداری از هویت میباشد.

بقول معروف اول خود را بشناس بعد دیگران را،

همچو آئینه مشو محو جمال دگران *** از دل و دیده فرو شوی خیال دگران

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

در جهان بال و پر خویش گشودن آموز *** که پریدن نتوان با پر و بال دگران
اقبال لاهوری.

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ